

درس ۱۷ صدای موج

آیا تاکنون دریا را دیده‌ای؟ دریا بسیار زیبا و تماشایی است.
آسمان صاف و آبی دریا خیلی دیدنی است. صدف‌های سفید در کنار
دریا، این جا و آن جا دیده می‌شود. صدای موج دریا به گوش می‌رسد.
پرندگان دریا، ماهی‌های ریز و درشت را شکار می‌کنند.
جانورانی مانند نهنگ، کوسه، اره ماهی و هشت پا در دریا زندگی می‌کنند.

ص ص



ص ص

درس هفدهم

صدای موج



جدول ترکیب	آ آ	ا و	ای ی ای	ا ه	ا
ص ص	صا	صا	صی صی	صه صه	ص

صَدَف - صابون - صِدَا - مَخْصُوص - صَاف - فَصَل - صِفَر - قِصَّة - صَوْرَت
 صَوْرَتِي - قُرْص - قَصَاب - صَنْدُوق - صَنْدُوقِچِه - صَنْدَلِي - تَصْوِير - مَنصُور
 صَيْمِي - تَصْمِيم - قاصِدْک - فاصِلِه - اِصْفَهان - نِصْف - صَبْر - شَمْت - صَد
 صَلَوَات - صَدْمَه - صدای موج آب - صَدَفِ سِفید - فَصَلِ بَهَار - قِصَّهِ مادَرِ بزرگ
 صَوْرَتِ مادَرَم - قُرْصِ ماه - صَنْدُوقِچِهِ قَدیمی - تَصْوِيرِ کِتَاب - فاصِلِهِ زیاد
 صابون مَخْصُوص



متن روان‌خوانی را با دقت بخوان و با توجه به آن، به سؤالها جواب بده.



فصل بهار بود. آسمان صاف بود. صدای امواج دریا از کنار قصر شنیده می‌شود.

فاصله‌ی قصر تا دریا صد متر بود.

صدف روی صندلی نشسته بود و کتاب قصه‌ی چهار فصل را می‌خواند.

صدف، نصف کتاب را خوانده بود که ناگهان به یاد صورت زیبای مادر بزرگ افتاد.

مادر بزرگ صدف، زن بسیار مهربان و دلسوزی بود. صورت او مانند قرص ماه بود. صدف دلش

برای مادر بزرگ تنگ شده بود.

تصمیم گرفت به سراغ صندوقچه‌ی قدیمی و مخصوص مادر بزرگ برود.

در آن صندوقچه صابونی صورتی رنگ پیدا کرد که مخصوص مادر بزرگ بود.

مادر بزرگ همیشه بوی آن صابون خوش بو را می‌داد.

یک گردنبند با مرواریدهای صورتی رنگ را دید که مادر بزرگ همیشه به گردن خود می‌انداخت.

چادر نماز مادر بزرگ را پیدا کرد و تصمیم گرفت برای مادر بزرگ نماز بخواند.

صدف مادر بزرگ خود را خیلی دوست داشت.

